

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۲۱، پیاپی ۱۰۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان در گفتمان تاریخ‌نگاری اسلامی^۱

علی بابایی سیاب^۲
فاطمه جان احمدی^۳
هاشم آفاجری^۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۰۱

چکیده

تحقیق درباره تاریخ‌نگاری اسماعیلیان به دلیل از میان رفتن حجم قابل توجهی از آثار آنان، در میان پژوهشگران این حوزه از اقبال کمتری برخوردار بوده است. با بررسی محدود آثار باقی مانده از مورخان اسماعیلی مذهب و بازسازی تصویری کلی از آثار مفقودشده آنان براساس منابع دیگر، پژوهش در تاریخ‌نگاری این فرقه تا حدودی امکان پذیر می‌گردد. اهمیت این پژوهش به این علت است که تاریخ‌نگاری اسماعیلیان از منظر فاعلیت پیروان این فرقه در ثبت گزارش‌های تاریخی، که تا حدود زیادی از دید محققان این حوزه مغفول مانده، مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش نشان داده خواهد شد که تاریخ‌نگاری

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2018.16984.1163

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام از دانشگاه تربیت مدرس. ایمیل: Ali.Babaei@modares.ac.ir

۳. استاد راهنما، دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول). ایمیل:

F.Janahmadi@modares.ac.ir

۴. استاد مشاور، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس. ایمیل: aghajari@modares.ac.ir

فاطمیان در گفتمان مسلط تاریخ‌نگاری اسلامی از چه شاخصه‌هایی برخوردار است. به نظر می‌رسد که تاریخ‌نگاری فاطمیان علی‌رغم ظهور در گفتمان مسلط تاریخ‌نگاری اسلامی و اثرپذیری از آن، با ویژگی‌هایی چون تلاقی آشکار کلام با تاریخ و قرار گرفتن امام- خلیفه اسماعیلی در محور رویدادها، که حاکی از تلاش در جهت نوعی تاریخ‌نگاری مقدس است، تا حدودی از سنت تاریخ‌نگاری اسلامی متمایز شده و از آن فاصله می‌گیرد. این پژوهش به روش تحلیل محتوای کیفی و براساس منابع کتابخانه‌ای و دیجیتالی به انجام رسیده است.

واژه‌های کلیدی: تاریخ‌نگاری فاطمیان، کلام، امامت، تاریخ‌نگاری مقدس.

طرح مسئله

با مراجعه به کتاب‌شناسی‌های قدیم و جدید آثار اسماعیلی مانند فهرست المجموع، کتاب‌شناسی ایوانف، کتاب‌شناسی پوناوالا و کتاب‌شناسی فرهاد دفتری درمی‌یابیم که از میان تعداد چشمگیر مکتوبات اسماعیلیان، تنها تعداد انگشت‌شماری نوشته‌های تاریخی یافت می‌شود. از میان آثار باقی‌مانده از دوره فاطمی صرف‌نظر از چند مورد معدود؛ چیزی جز تعدادی شرح‌حال، وقایع‌نامه‌های رسمی و امثال آن در دسترس نیست. این در حالی است که شمار زیادی از آثار اسماعیلیان در گذر زمان یا به دست دشمنان سنی‌مذهبشان از میان رفته است (مقریزی، ۱۹۶۷- ۱۹۷۳: ۲/۲۹۴؛ Halm, 1997: 91-93). با وجود این می‌توان رد پای بسیاری از این آثار را در سایر مکتوبات باقی‌مانده از اسماعیلیان جستجو نمود. همه این عوامل در کنار فرضیه وجود یک سنت تاریخ‌نگاری مختص اسماعیلیه، که بخشی از نمونه‌های آن به دست ما رسیده، ما را به واکاوی مهم‌ترین شاخصه‌های این تاریخ‌نگاری واداشته است. مهم‌ترین مسئله‌ای که در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آن هستیم این است که تاریخ‌نگاری فاطمیان از نظر موضوع و روش تاریخ‌نگاری در بافت تاریخ‌نگاری اسلامی، از چه شاخصه‌هایی برخوردار است؟ و تأثیر این شاخصه‌ها در اشکال و منابع تاریخ‌نگاری آنان به چه صورت است؟

اهمیت این پژوهش در این است که تاکنون تاریخ‌نگاری اسماعیلیان در هیچ پژوهش مستقلی مورد بررسی قرار نگرفته است. در میان آثار منتشرشده در این زمینه، تنها در چند صفحه نخست کتاب «مختصری در تاریخ اسماعیلیه» نوشته فرهاد دفتری به شکلی گذرا به تاریخ‌نگاری اسماعیلیان از آغاز تا دوران معاصر اشاراتی شده است. همین مطالب در قالب یک مقاله چند

صفحه‌ای با عنوان «Ismaili historiography» در دایرةالمعارف ایرانیکا به چاپ رسیده است. پائولا ساندرز^۱ نیز مقاله‌ای با عنوان «غدیر خم و ظهور تاریخ‌نگاری حافظی در اواخر مصر فاطمی»^۲ نوشت. وی بحث خود را با اشاره به مشکلات پیش پای محققان عصر فاطمی شروع نموده و اشاره می‌کند که تقریباً هیچ متن تاریخ‌نگارانه‌ای از دوران خلافت فاطمیان در مصر به دست ما نرسیده است و ما به ناچار بایستی تاریخ این دوران را از منظر مورخان دوران ممالیک بازسازی کنیم که اغلب به ارائه‌ی گزارش‌های متناقض می‌پردازند. بنابراین، از دیدگاه وی، رجوع به وثائق کلامی دوران فاطمی ضروری به نظر می‌رسد (Sanders, 1992: 81-82). بر همین اساس است که وی با بررسی وثائق فاطمی به‌ویژه وثیقه «هدایة‌الأمیة» به جنبه‌های تاریخ‌نگارانه‌ی آن توجه می‌کند. رویداد غدیر خم و بازخوانی آن در دوران خلافت الحافظ به منظور جایگزینی مدل جانشینی «پسرعمو» به جای «پسر» موضوع اصلی مورد بررسی در این پژوهش است (Sanders, 1992: 82-104) که پس از وی در تحقیق جمال‌الدین الشیال در کتاب «مجموعه الوثائق الفاطمیة» نیز مورد بحث قرار گرفته است (الشیال، ۱۴۲۲: ۵۶ به بعد). عباس همدانی در فصلی از کتاب «مذهب، آموزش و دانش در دوره‌ی عباسی»^۳ پیرامون تاریخ و مورخان فاطمی تحقیق نموده است که موضوع بررسی وی صرفاً مورخان و تاریخ‌نگاری فاطمی نیست، بلکه شامل ادبیات تاریخی فاطمیان و سایر ژانرهای ادبی آنان که حاوی داده‌های تاریخی است، و نیز منابع تاریخ‌نگاری اهل سنت می‌باشد که در آن به موضوع فاطمیان و ادوار بعدی مرتبط با تاریخ فاطمی نیز توجه شده است؛ لذا اثری مستقل در موضوع تاریخ‌نگاری اسماعیلیان به معنای مورد بررسی در این پژوهش نیست. دیگر مطالعات موجود در این حوزه نیز از ماهیتی مشابه برخوردارند. «منابع تاریخ حشاشین سوریه»^۴ اثر برنارد لوئیس، دو کتاب «تاریخ الدولة الفاطمیة» و «نگاهی جدید به برخی منابع تاریخ فاطمیان در مصر»^۵ اثر ایمن فؤاد، «پژوهشی در یک امپراتوری اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن» اثر پل واکر و «درآمدی بر تاریخ‌نگاری فاطمیان»، نوشته محمدعلی چلونگر همگی از این دست است. وجه

۱. کتاب دیگر وی در این زمینه، «دعوت اسماعیلی و حکومت فاطمیان در فرهنگ اسلامی سند» نام دارد که در سال ۱۹۴۹ میلادی به چاپ رسیده است.

2. *Claiming the Past: Ghadir Khumm and the Rise of Hāfiẓī Historiography in late Fāṭimid Egypt.*

3. *Fatimid history and historians, in Religion, learning and science in the Abbasid period*, ed. M. J. Young, J. D. Latham and R.B. Serjeant, Cambridge 1990.

4. The sources for the history of the Syrian assassins", *Speculum*. 27 (1952). reprinted in B. Lewis, *Studies in classical and Ottoman Islam (7th-16th centuries)*, London 1976.s

5. *Lumières nouvelles sur quelques sources de l'histoire Fatimide en Egypte*", *Annales Islamologiques*, 13, 1977.

تمایز این پژوهش در این است که در آن به شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان از منظر فاعلیت آنان در خلق آثار تاریخ‌نگارانه پرداخته می‌شود.

منظور از آثار تاریخ‌نگارانه در این پژوهش آن دسته از آثار تاریخی است که به ساختن یا بازسازی گذشته با هدف انتقال آن به آیندگان می‌پردازد. حوزه این آثار در پژوهش حاضر بنا به دلایلی بسط داده شده و وجود هرگونه جنبه‌های غالب تاریخ‌نویسی در آثار فلسفی، کلامی، عقاید و حتی اسناد حکومتی را دربر می‌گیرد. این بسط حوزه‌ی آثار تاریخ‌نگارانه بنا به دلایل مهمی صورت گرفته است، از جمله این که آثار تاریخ‌نگارانه به معنای اخص کلمه در تاریخ‌نگاری اسماعیلیان اندک است. این قلت آثار تاریخ‌نگارانه از یک طرف بنا به دلایلی چون بروز حوادث متعدد داخلی و خارجی بوده که سبب امحای شمار زیادی از آن آثار شده است، و از طرف دیگر ممکن است بنا به دلایلی مهم‌تر مانند برخی شاخصه‌های پارادایمی حاکم بر تاریخ‌نگاری اسماعیلیان باشد. دلیل دیگر، ماهیت این پژوهش است که به دنبال بررسی شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان است. فراوانی کاربرد گزارش‌های تاریخی در آثار غیرتاریخ‌نگارانه، که شاید متکی بر آثار تاریخ‌نگارانه‌ای بوده که شاید امروزه به دست ما نرسیده است، می‌تواند ما را به درک دقیق‌تری از مهم‌ترین شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان نزدیک کند.

لذا در این پژوهش، تلاش می‌شود مهم‌ترین شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان با تکیه بر روش تحلیل محتوای کیفی مورد ارزیابی قرار گیرد. نتیجه کاوش‌ها در متون اصلی دوره فاطمیان نشان از وجود دو شاخصه‌ای اصلی در تاریخ‌نگاری آنان دارد که می‌توان تحت عناوینی چون «تاریخ‌نگاری مقدس» و «محوریت کلام در گزارش‌های تاریخی» به بررسی آن پرداخت.

۱. تاریخ‌نگاری مقدس

در تاریخ‌نگاری اسلامی، مطالب بسیار ناچیزی راجع به غیرنخبگان به‌ویژه روستاییان وجود دارد و کانون توجه مورخان اسلامی بر شهرها و نخبگان شهری است؛ زیرا از دید این مورخان، رویدادهای زندگی این افراد پرمعنا تلقی شده و رویدادهای زندگی افراد روستایی علی‌رغم به دوش کشیدن بار اصلی تولید، فاقد اهمیت بود و زندگی آنها تنها در رابطه با زندگی نخبگان دیده می‌شد. بنابراین، این دیدگاه که تاریخ را غالباً افراد مهم ساکن در شهرها می‌سازند در میان مورخان اسلامی، اصلی پذیرفته شده بود (رابینسون، ۱۳۸۹: ۲۱۷-۲۱۹). این نگاه به تاریخ نزد مورخان اسماعیلی اندکی متفاوت بوده و حاکی از برخی تفاوت‌های پارادایمی با تاریخ‌نگاری رایج اسلامی است. از دید مورخ اسماعیلی تاریخ، روایت زندگی نخبگان شهری و یا حتی امرا و

پادشاهان نیست؛ بلکه آنان تاریخ را از منظری مقدس مآبانه می‌نگرند که در آن تنها رویدادهای زندگی امام- خلیفه اسماعیلی و سلسله مراتب دعوت است که مهم تلقی شده و عامل پیشبرد تاریخ بشر به سوی فرجامی مشخص و ازپیش تعیین شده است (ن.ک: قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۲۴۰). قاضی نعمان در ابتدای کتاب «افتتاح الدعوه» پیش از ورود به مباحث تاریخی و در لابه‌لای نقل روایات به این مهم اشاره می‌کند و امامان فاطمی را جانشینان راستین رسول اکرم (ص) تا روز قیامت می‌داند که در محوریت تاریخ بشر قرار دارند (قاضی نعمان، ۱۹۸۶: ۱). این ویژگی سبب شده است که وی تنها راجع به دعوت فاطمیان بنویسد و به سایر رویدادهای تاریخی معاصر توجهی نکند و این خود حاکی از تلاش نویسنده برای ارائه‌ی نوعی «تاریخ‌نگاری مقدس» است.

بنابراین، منظور از «مقدس‌نگاری» به‌عنوان یکی از شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان این است که از نظر مورخان فاطمی تنها رویدادهای زندگی افراد مقدس (ناطقان و امامان) و نظام دینی- سیاسی مرتبط با آنان است که معنادار تلقی شده و قابلیت ثبت در تاریخ را دارد. براساس این دیدگاه، حوادث و رخداد‌های پیرامون حکام جائز و خلفای غاصب از منظر مورخ فاطمی هیچ‌گونه اهمیتی برای ثبت در تاریخ ندارد. این ویژگی را می‌توان برآمده از هدف مورخان فاطمی در نگارش تاریخ دانست. از دید امام و مورخ فاطمی، مهم‌ترین هدف از ثبت وقایع تاریخی برای آیندگان، معرفی امام برحق و مسیر اصلی هدایت بشری به آیندگان بوده که وظیفه‌ای دینی تلقی می‌شود (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۱۱۷-۱۱۸). جعفر بن منصور الیمن^۱ از نویسندگان و نزدیکان خلفای فاطمی در آغاز استقرار خلافت آنان، از نخستین اسماعیلیانی است که در این دوره به نگارش تاریخ مقدس پرداخت. وی در کتاب «الشواهد و البیان فی اثبات مقام امیرالمؤمنین و الأئمه»^۲ به ذکر داستان‌های مربوط به برخی انبیا مانند ایوب، ابراهیم، موسی، شعیب و دیگران با هدف اثبات حقانیت امام علی(ع) می‌پردازد (المجدوع، ۱۳۴۴: ۱۹۰-۱۹۱). در کتاب «سراثر و اسرار النطقاء» نیز ضمن روایت تاریخ ناطقان بر اساس قرآن، تورات و حدیث؛ بخشی را به بررسی فرقه‌های شیعی پس از امام صادق(ع) اختصاص داده است (جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ ب: ۸). کتاب «الکشف»^۳ از همین نویسنده نیز مجموعه‌ای از شش رساله شامل تأویل آیاتی از قرآن است

۱. حسن بن فرج بن حوشب بن زادن معروف به منصور الیمن اهل کوفه بود که در سال ۲۶۸ هجری به یمن رفت و در سال ۲۸۶ هجری ادعای امامت عبیدالله المهدي را پذیرفت (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۱۶).

۲. نسخه خطی این کتاب به شماره‌ی ۱۸۴ در کتابخانه تیمورپاشا در دارالکتب المصریه موجود است.

۳. این کتاب را اشتروتمان مستشرق آلمانی در سال ۱۹۵۸ میلادی در بمبئی چاپ نمود که به دلیل شکایت طاهر سیف‌الدین داعی مستعلوی هند، آن را قبل از توزیع نابود کردند (جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ الف: مقدمه مصحح).

که در آن ضمن این تأویلات، مباحث تاریخی مربوط به امامت، غضب حق علی بن ابیطالب (ع) در خلافت و چگونگی قیام ناطق هفتم به‌عنوان مهدی و قائم را براساس روایات بیان می‌کند.

در سال ۲۸۶ هجری، کمی پس از اعلام جانشینی عبدالله المهدی به رهبری دعوت مرکزی اسماعیلیان، وی برای خود و اسلاف خود که تا پیش از آن حجت نامیده می‌شدند و واسطه ارتباط شیعیان اسماعیلی با امام غایب به شمار می‌آمدند (جعفر بن منصورالیمین، ۱۴۰۴: صص ۱۹۷ به بعد) ادعای امامت نمود. وی مدعی شد که نام محمد عنوانی مستعار برای همهٔ اخلاف اسماعیل بن جعفر بوده و شخص خاصی مصداق آن نمی‌باشد؛ بنابراین، تا زمان ظهور مهدی موعود قابلیت اطلاق بر هر امامی را داشته است. این تغییر در عقیده سبب ارائهٔ تعریف جدیدی از مهدویت شد که در نتیجهٔ آن نسخ شریعت جای خود را به دفاع از شریعت داد؛ و برقراری حکومت عدل جهانی با ظهور مهدی، جای خود را به ظهوری تدریجی داد. قاضی نعمان در کتاب تاریخی - کلامی «شرح الأخبار» بخشی از مطالب خود را به علایم ظهور مهدی و تطبیق آن با حوادث پیرامون عبدالله المهدی اختصاص داده است. مطالب این بخش از کتاب شرح الأخبار به اذعان خود نویسنده تکرار روایات کتاب دیگری از وی با عنوان «معالم المهدی» است که در آن به ارائهٔ تصویری مقدس‌مآبانه از عبدالله المهدی به عنوان قائم منتظر می‌پردازد (قاضی نعمان، بی تا: ۲۳۵/۳ به بعد).

در روایات مورخان اسماعیلی این دوره، شرایط نشر دعوت فاطمیان در میان بربرهای کتنامه که شروع آن در مراسم حج رقم خورد، نوعی بازسازی شرایط نشر دعوت پیامبر (ص) در یثرب را در ذهن تداعی می‌کند. در جریان این دعوت است که ابو عبدالله شیعی به عنوان یکی از داعیان امام فاطمی با دعوت قبایل بربر کتنامه به میان آنان می‌رود و زمینه‌های دعوت فاطمی را در آنجا فراهم می‌کند (قاضی نعمان، ۱۹۷۰: ۶۲ به بعد)؛ اندیشه‌ای که در صدد بود تا با تصرف مجدد سرزمین‌های اسلامی، حاکمیت دینی - سیاسی جامعه را به محور اصلی آن، یعنی خاندان پیامبر (ص) بازگرداند و در صدد تحقق دورانی از تاریخ برآیند که طبق پیش‌بینی قرآن و روایات نبوی، به مهدی موعود (عج) نسبت داده می‌شد (قاضی نعمان، بی تا: ۲۳۷/۳ به بعد). برخورد منابع تاریخ‌نگاران‌های فاطمی با شورش ابویزید، به روشنی حاکی از تلاش مورخان فاطمی برای تقدس بخشی به این دولت تازه تأسیس است؛ تقدسی که پایه و اساس آن اندیشهٔ ظهور مهدی است؛ اندیشه‌ای که از طرف تمام گروه‌های مسلمان، اصلی پذیرفته شده بود و فاطمیان بنا داشتند تا در جایی دورتر از

فرهاد دفتری، جعفر را فقط گردآورندهٔ این کتاب می‌داند (جعفر بن منصورالیمین، ۱۴۰۴ الف: ۱۲۵) اما براساس پاره‌ای شواهد از جمله اینکه در کتاب از قائم دومین خلیفهٔ فاطمی به‌عنوان قائم به سیف و ناطق هفتم نام برده، اقلأً بخش اخیر کتاب در زمان خود وی نوشته شده است (جعفر بن منصورالیمین، ۱۴۰۴ الف: ۱۰۰-۱۰۱).

مرکز قلمرو اسلامی، به تحقق آن بیندیشند. در آثار تاریخ‌نگارانه‌ی فاطمی از ابویزید با عنوان دجال یاد می‌شود، یعنی همان شخصیت آخرالزمانی که در مقابل مهدی قیام نموده و محکوم به نابودی است. چنین نگاه مقدس‌مآبانه‌ای به دوران نخست فاطمی در شمال آفریقا در کتاب عیون‌الأخبار ادريس عمادالدین که تاریخ آن دوره را براساس منابع معاصر رویدادها، که در دسترس وی بوده، بازسازی نموده است نیز دیده می‌شود (ن. ک: ادريس عمادالدین، بی‌تا: السبع الخامس، ۸۹). لذا وی نیز از مخالفان با لفظ زندیق و دجال نام برده و عییدالله المهدی را همان خورشیدی می‌داند که پیامبر اسلام (ص) وعده داده بود در رأس سال سیصد پس از هجرت از مغرب طلوع می‌کند (ابن هیثم، ۱۳۸۸: ۶۸ مقدمه محقق؛ ادريس عمادالدین، بی‌تا: السبع الخامس، ۴۲؛ قاضی نعمان، ۱۹۷۸: ۵۵؛ الجوذری، بی‌تا: ۴۴-۵۸، ۶۹).

۲. تاریخ‌نگاری کلامی

امامت به‌عنوان اساسی‌ترین اصل مبنایی در نظام اعتقادی اسماعیلیان دارای ارتباطی بی‌واسطه با ظواهر شریعت و نظام فکری پیروان این فرقه از جمله تاریخ‌نگاری آنان است. وجود امام در جامعه اسماعیلی با ویژگی‌هایی چون علم خاص، عصمت، وساطت فیض الهی، تفسیر باطنی شریعت، و قطب عالم بودن، امری ضروری است (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۷۲، ۸۴-۸۵). متکلم - مورخان اسماعیلی در قالب آثار کلامی، کلامی - تاریخی و تاریخی - کلامی سعی در اثبات اصل امامت و جنبه‌ی الهی آن داشتند. قرار گرفتن امام - خلیفه‌ی اسماعیلی در مرکز روایت تاریخی نزد اسماعیلیان حاکی از تلاش در نگارش نوعی تاریخ مقدس است که مورخ در لابه‌لای گزارش رویدادهای تاریخی، عامل القاء مشروعیت نیز هست. این در حالی است که در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی، تاریخ روایتگر حوادث مرتبط با نخبگان (پیامبران و پادشاهان و امثال آنان) است. این مسئله سبب شده است که تاریخ‌نگاری فاطمیان برخلاف سنت تاریخ‌نگاری اسلامی از تنوع چندانی در اشکال و شیوه ارائه مواد تاریخی برخوردار نباشد. در نتیجه تاریخ‌نگاری این فرقه محدود به پاره‌ای تواریخ دودمانی، سرگذشت‌نامه و سیره‌نگاری یا خودزندگی‌نامه‌هایی است که در پوشش آنها به ارائه مواد تاریخی پرداخته شده است.

آثار جعفر بن منصور الیمن از نخستین آثاری است که در این زمینه حائز اهمیت است. همان‌طور که گفته شد، هدف وی از ذکر تواریخ انبیا در کتاب «الشواهد و البیان»، اثبات حقایق علی (ع) به‌عنوان سنگ بنای نخست مشروعیت خلفای فاطمی است. وی در همین راستا در کتاب «الفرائض و حدود الدین» ضمن تأویل باطنی سوره‌های یوسف، کهف و بخشی از سوره نور

(المجدوع، ۱۳۴۴: ۱۸۷-۱۸۸) با ذکر نسب‌نامه عیبدالله المهدی، که در نامه وی به اسماعیلیان یمن ذکر شده، بر این مشروعیت نسبی تأکید می‌کند (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۲۸). کتاب «تأویل الفرائض» وی نیز دارای رویکردی مشابه است که احتمالاً در اصل یک کتاب بوده‌اند (Ivanov, 1963: 22). توجه به انساب را شاید بتوان به عنوان نخستین بازگشت فاطمیان به تاریخ برای اثبات مشروعیت خود قلمداد نمود. روش جعفر بن منصور الیمن در ارائه داده‌های تاریخی - کلامی است. او غیر از قرآن و حدیث به منبع مشخصی برای نوشته‌های خود اشاره نمی‌کند (جعفر بن منصور الیمن، ۱۴۰۴ الف: ۷، ۲۶، ۸۹).

قاضی نعمان در «افتتاح الدعوه» به عنوان مهم‌ترین اثر تاریخ‌نگارانه باقی مانده از دوره فاطمی، هدف خود از پرداختن به حوادث آغازین تشکیل خلافت فاطمی و زندگی سیاسی عیبدالله المهدی را ثبت رویدادهای مرتبط با وی برای آیندگان عنوان می‌کند که نشان می‌دهد هدف از نگارش این کتاب نه فقط طرح مباحث کلامی، بلکه تاریخ‌نگاری کلامی است (قاضی نعمان، ۱۹۸۶: ۲). او در این کتاب بر آن است تا با مقایسه شرایط جزیره العرب در آستانه ظهور پیامبر اسلام (ص) با شرایط افریقه در آستانه ورود عیبدالله المهدی، به روایت این برهه از تاریخ فاطمیان با رویکردی کلامی بپردازد (قاضی نعمان، ۱۹۷۰: ۸). «شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار» عنوان رساله‌ای دیگر از اوست که در دوران خلافت معز گردآوری و توسط خود وی اصلاح و تأیید شده است. نویسنده در بخش اعظم کتاب به اثبات مبانی مشروعیت خلفای فاطمی در دوران نخستین امامان شیعه می‌پردازد. در دو قسمت اخیر کتاب نیز به آغاز دعوت فاطمی در شمال آفریقا و ظهور عیبدالله المهدی در آنجا پرداخته شده و تلاش می‌شود شرایط آن با قیام مهدی موعود انطباق داده شود (قاضی نعمان، بی تا: ۲۳۷/۳).

مقدس‌نگاری و رویکرد کلامی در نگارش تاریخ به عنوان دو شاخصه اصلی تاریخ‌نگاری فاطمیان سبب شده است که این تاریخ‌نگاری برخلاف سنت تاریخ‌نگاری اسلامی و در راستای این دو شاخصه، به برخی اشکال نگارشی مانند تواریخ دودمانی، سیره‌نگاری، سرگذشت‌نامه‌ها، خودزندگی‌نامه‌ها و امثال آن محدود شود؛ همه این انواع، از نظر زمانی معطوف به تاریخ معاصر و از نظر روش، ترکیبی و متکی بر اسناد حکومتی موجود در دیوان انشاء، مشاهدات عینی و یا روایات شاهدان عینی است. بنابراین، «معاصرنگاری» و «تاریخ‌نگاری مستند» را می‌توان به عنوان دو شاخصه‌ی ثانوی در تاریخ‌نگاری فاطمیان قلمداد نمود که به اشکال نگارش تاریخ و منابع نقل روایات در تاریخ‌نگاری فاطمیان جهت بخشیده است. در ادامه، ذیل این دو عنوان به شرح بیشتری از شاخصه‌های اصلی تاریخ‌نگاری فاطمیان پرداخته خواهد شد.

۲-۱. معاصرنگاری

از مهم‌ترین اشکال تاریخ‌نگاری اسماعیلیان، که به انعکاس رویدادهای تاریخ معاصر از منظری کلامی می‌پردازد، می‌توان به تک‌نگاری‌های دودمانی اشاره نمود. این نوع تاریخ‌نگاری در وهله اول به‌عنوان منبعی بالقوه برای مشروعیت‌بخشی به حاکمان و مشروعیت‌زدایی از عناصر مخالف، حائز اهمیت است نه به‌دلیل ارزش و کارآیی‌شان در بازسازی گذشته. به همین دلیل، هدف اولیه از نگارش این تواریخ، بازتاب برداشت‌های ذهنی دربارهٔ زمان و نحوهٔ ارتباط افراد با حکومت و چگونگی ارتباط حکومت با دنیاست. ابو‌عبدالرحمن محمد بن عبدالرحمن بن القاسم بن خالد بن جناده العنقی (م ۳۸۵ ق) اخترگوی دربار العزیز فاطمی از نمونه‌های بارز این شکل تاریخ‌نگاری است که صاحب تاریخی در زمان فاطمیان تحت عنوان «التاریخ الجامع الی أيام العزیز» است که آن را قبل از سال ۳۷۷ هجری تألیف نمود. صفدی این کتاب را «تاریخ‌الکبیر» نامیده است^۱ (صفدی، ۱۹۷۴: ۲۳۹/۳؛ البغدادی، ۱۴۱۳: ۵۵/۲؛ کحاله، ۱۴۱۴: ۴۵۷/۳). از دیگر نمونه‌های این آثار می‌توان از رسالهٔ «استتار الامام»، و کتاب «افتتاح‌الدعوه» نام برد. احمد بن ابراهیم نیشابوری از نویسندگان دوران خلافت العزیز (۳۶۵-۳۸۶ ق) و الحاکم بأمرالله (۳۸۶-۴۱۱ ق) در رسالهٔ «استتار الامام» که از منابع مهم تاریخ‌نگارانهٔ دورهٔ فاطمی است به تاریخ دوران ستر، توالی امامان مستور و زندگی عبدالله المهدی در سلمیه در قرن سوم هجری و نیز سفر وی از سوریه به شمال آفریقا و تأسیس خلافت فاطمی می‌پردازد (زکار، ۲۰۰۷: ۱/۲۶۹؛ متن استتار الامام). وی در این رساله نام سه تن از امامان مستور بعد از محمد بن اسماعیل را ذکر می‌کند و حاوی اطلاعات مهمی راجع به عبدالله الأكبر و جانشینان وی تا عبدالله المهدی است (Lalani, 1978: 4-9).

قاضی نعمان در کتاب افتتاح‌الدعوه، که نگارش آن را در سال ۳۴۶ هجری یعنی تنها نیم‌قرن پس از حوادث مورد اشاره در کتاب به پایان رسانده، تنها بر تاریخ دعوت فاطمیان متمرکز شده و حوادث مرتبط با آن را با تفصیل شرح می‌دهد. این مسئله سبب شده است که رسالهٔ افتتاح‌الدعوه مأخذ بسیاری از مورخان بعدی مانند محمد بن محمد الیمانی صاحب «سیره الحاجب» باشد (الیمانی، ۱۹۳۹: ۲۵). دو سوم کتاب «شرح‌الأخبار» قاضی نعمان راجع به تاریخ و فضائل علی بن ابی‌طالب (ع) و مابقی آن در فضائل اهل‌البیت و بقیهٔ امامان تا جعفر صادق (ع) است که برخلاف نام آن محدود به مناقب اهل‌البیت (ع) نیست، بلکه تاریخ دوران امام علی (ع) تا امام جعفر صادق (ع) را نیز شامل می‌شود که در آن به حوادث مهم تاریخ شیعه مانند جهاد امام علی (ع) با ناکثین، قاسطین

۱. وی دارای آثار تاریخ‌نگارانه‌ی دیگری نیز بوده است که از آن جمله می‌توان از «سیره العزیز» نام برد (صفدی، ۱۹۷۴: ۲۴۰/۳).

و مارقین، اخبار صفین، حادثه کربلا، ذکر امام صادق (ع) و فرزندان ایشان، ذکر اخبار مهدی (عج) و مانند آن اشاره نموده و تاریخ برخی فرق شیعی را نیز بازگو می‌کند. قاضی نعمان در ادامه صفحات این کتاب به ذکر قیام‌های علویان پس از حادثه کربلا مانند قیام فح پرداخته است. اختصاص بیشترین حجم کتاب به امام علی (ع) حاکی از توجه نویسنده به نخستین سنگ‌بنای مشروعیت خلفای فاطمی است نه پرداختن صرف به تاریخ آن دوران؛ زیرا آنچه از نظر مورخ فاطمی اهمیت دارد، مشروعیت امام فاطمی است؛ بنابراین روایات وی از تاریخ امامان پیشین، گزینشی و در راستای این مشروعیت‌بخشی است. اشاره نویسنده به قیام‌های شیعی مابین شهادت امام صادق (ع) تا ظهور عبدالله المهدی نیز با ذکر حدیثی از امام سجاده (ع) که می‌فرماید «کل خارج منا [قبل القائم] مقتول» در خدمت هدفی کلامی و مشروعیت‌بخش قرار می‌گیرد که بر آن اساس، قیام موفق عبدالله المهدی در میان حجم وسیعی از قیام‌های نافرجام دیگر رهبران شیعی، طبق این حدیث، تنها قیام مشروع به حساب آمده و بنابر آن، او همان مهدی موعود و امام برحق است.

تراجم و سیره‌نگاری در میان فاطمیان نیز مانند دیگر مکتوبات آنان ضمن برخوردار بودن از روشی کلامی، معطوف به تاریخ معاصر است. علاوه بر «سیره ابن حوشب» نوشته جعفر بن منصور الیمن، «المجالس و المسایرات» قاضی نعمان، «سیره الأستاذ جوذر» نوشته ابوعلی منصور العزیزی الجوذری، «سیره الحاجب جعفر بن علی»^۱ نوشته محمد بن محمد الیمانی، و «سیره المؤید فی الدین الشیرازی» نیز از این دست است. کتاب «المجالس و المسایرات» قاضی نعمان که حول محور شخصیت و سیره معز فاطمی نوشته شده، تأکید عمده آن بر نقش قدسی و هدایتگر امام فاطمی به‌عنوان واسطه میان عالم غیب و عالم مادی است (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۵۵، ۱۰۴، ۱۱۷-۱۱۸، ۱۲۳-۱۲۴، ۲۷۶). به این دلیل که بیشتر دوران زندگی قاضی نعمان هم‌زمان با خلیفه المعز بود. این کتاب حاوی ثبت روزانه اقوال و توقیعات این خلیفه است (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۲۴). کتاب «المناظرات»^۲ ابن هبثم از دیگر نمونه‌های زندگی‌نامه‌نگاری در دوره فاطمی است که در حقیقت یک تاریخچه با رویکرد شرح حال‌نگاری است. نویسنده در این کتاب شرح جلسات و گفتگوهای خود با رهبران دعوت اسماعیلی از نخستین ماه‌های فتح قیروان در رجب سال ۲۹۶ هجری تا ظهور عبدالله المهدی در ربیع‌الثانی سال ۲۹۷ هجری را ثبت کرده است (Daftari, 2004: 119). این

۱. این رساله با تحقیق و ایوانف در جزء دوم از جلد چهارم «مجله کلیه الأداب» (صص ۱۰۷-۱۳۳) توسط انتشارات

الجماعة المصرية در قاهره (۱۹۳۶ م) به چاپ رسیده است (صالحیه، ۱۹۹۵: ۳۷۱/۵).

۲. ابن هبثم از علمای شیعی قیروان و بعدها از داعیان اسماعیلی در شمال آفریقا بود.

کتاب وی در نخستین سال‌های حکومت فاطمیان در افریقه (ح ۳۴۴ ق) نگاشته شده^۱ و موضوع آن ثبت شخصی نویسنده از مباحثات و مناظراتش با داعی اسماعیلی ابو عبدالله شیعی و برادرش ابوالعباس می‌باشد. این کتاب همچنین شامل برخی جزئیات زندگینامه‌ای در مورد خود ابن‌هیثم است (Ibn al-Haytham, 2001: 41-55) و اطلاعات مهمی در رابطه با عقاید نخستین فاطمیان در اختیار ما قرار می‌دهد (Daftari, 2004: 120).

قاضی نعمان سیره معز را در قالب یک ارجوزه نیز روایت می‌کند (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۴۶۲). کتاب «الأرجوزه المختاره»^۲ نمونه‌ی واقعی یک تاریخ‌نگاری کلامی منظوم است که یک دوره تاریخ امامت را در قالب نظم بیان می‌کند. وی بحث خود را با اشاره به پیامبران و اوصیای آنان شروع نموده (قاضی نعمان، ۱۹۷۰: ۳۴)، به اختلاف مردم در مسئله انتخاب جانشین توسط پیامبر اسلام(ص) و اینکه آیا چنین وصیتی از طرف آن حضرت صورت گرفته است یا خیر می‌پردازد (قاضی نعمان، ۱۹۷۰: ۳۷-۴۶) و پس از طرح یک سلسله مباحث راجع به امامت؛ به دوران امام حسن، حسین، زین‌العابدین و جعفر صادق(ع) پرداخته و با طرح مسئله‌ی استتار امامان پس از امام جعفر صادق(ع)، به قیام عیدالله المهدی و آغاز دوران کشف اشاره می‌کند (قاضی نعمان، ۱۹۷۰: ۱۷۸-۲۰۵). وی در انتها با طرح دیدگاه‌های گروه‌های مختلف شیعی راجع به امامت، به رد نظرات مخالف می‌پردازد. راوندیه، حصینیه، زیدیه، جارودیه، بتریه، مغیریه، کیسانیه، کریه، بیانیه، حارثیه، عباسیه و رزامیه از جمله فرقی هستند که به آنها اشاره می‌کند (قاضی نعمان، ۱۹۷۰: ۲۰۵-۲۴۱).

رساله «سیره الحاجب جعفر بن علی» از دیگر منابع تاریخ‌نگارانه باقی مانده از دوره فاطمی است که به شرح هجرت مهدی از سلمیه براساس روایت جعفر بن علی پرداخته و حاوی اطلاعات ارزشمندی از سفر طولانی عیدالله المهدی (۲۸۹-۲۹۷ ق) از سلمیه به شمال آفریقا و اقامتش در سجلماسه است. جعفر بن علی که در این سفر مهم، مهدی را همراهی می‌نمود، بسیاری از حوادث مهم تاریخ اوایل دوران فاطمی را از نزدیک شاهد بوده است (Daftari, 2004: 159). محمد بن محمد الیمانی در این سیره ضمن روایت تاریخ خروج مهدی از سلمیه، به دنبال تطبیق علایم ظهور مهدی موعود بر حوادث پیرامون خروج عیدالله المهدی است و تصویری مقدس‌گونه از امام

۱. این کتاب در جلد ششم کتاب الأزهار بهروچی به صورت نسخه خطی باقی مانده است. ویلفرد مادلونگ و پل ارنست واکر در کتاب «The Advent of the Fatimids: A contemporary Shi'i Witness» متن این رساله را آورده‌اند. این کتاب توسط امیر جوان آراسته و محمد جاوودان به فارسی ترجمه و توسط دانشگاه ادیان و مذاهب منتشر شده است (ن.ک: مادلونگ، ۱۳۸۸: ۹-۱۹۴).

۲. این کتاب با تحقیق و تعلیق اسماعیل قربان حسین پوناوالا به چاپ رسیده است.

فاطمی ارائه می‌دهد که یادآور ارهاصات پیرامون ظهور پیامبر اسلام (ص) است (ایوانف، ۱۹۳۹: ۱۱۲، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۳۲ متن سیره جعفر الحاجب). این سبک نگارش تاریخ، سبک مسلط بر رساله‌ی «استتار الامام»^۱ نیز هست. مطالب این رساله روایتگر حوادث مربوط به دوران ستر تا رسیدن عییدالله المهدی به سجلماسه است (زکار، ۲۰۰۷: ۱/ ۲۷۳ متن استتار الامام) که بنا به اذعان خود نویسنده، براساس منابع موجود در آن زمان به نگارش در آمده است (زکار، ۲۰۰۷: ۱/ ۲۸۴). ابوعلی منصور الجوذری کارگزار و نویسنده فاطمی در شمال آفریقا،^۲ کاتب استاد جوذر صقلی^۳ و از مورخان دربار العزیز فاطمی نیز در کتاب «سیره الأستاذ جوذر» ضمن تمرکز بر سیره جوذر به عنوان یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های معاصر نویسنده، رویکرد کلامی مشابهی را در روایت تاریخ اتخاذ کرده است (ایمن فؤاد سید، ۲۰۰۷: ۳۴-۳۵). شیوه مبتنی بر حق الهی امامان فاطمی در تعبیر به کاررفته در اسناد موجود در «سیره الأستاذ جوذر» منعکس شده است (الجوذری، بی تا: ۱۶-۱۷). وی در بخش‌هایی از کتاب خود به جایگاه والا و مفترض الطاعه بودن امام- خلیفه‌ی فاطمی اشاره می‌کند (الجوذری، بی تا: ۱۴۷-۱۴۸). در این کتاب به برخی عقاید اسماعیلیه نیز اشاره شده است. یکی از این عقاید، امامت منصوص اهل بیت (ع) است. به همین دلیل، مؤلف در جای‌جای این کتاب به طور مکرر بر وجوب اعتقاد به ولایت امامان و مفترض الطاعه بودن ایشان تأکید می‌کند (الجوذری، بی تا: ۶۵، ۷۷، ۸۱، ۸۲).

از سیره مؤید فی‌الدین شیرازی داعی‌الدعاة فاطمی می‌توان به عنوان آخرین کتاب سیره باقی مانده از دوران فاطمی نام برد که در آن پرده از حوادث ربع دوم قرن پنجم هجری، برمی‌دارد.

۱. وی داعی و نویسنده ایرانی و اسماعیلی مذهب است. سهیل زکار متن این رساله را در کتاب «الجامع فی أخبار القرامطه فی الأحساء، الشام، العراق، الیمن» آورده است (ن.ک: زکار، ۲۰۰۷: ۱/ ۲۶۹ به بعد).
۲. وی از درباریان چهار خلیفه نخست فاطمی بود و در سال ۳۶۳ هجری درگذشت.
۳. وی در دوران جوانی برده‌ای از ممالیک بود که عییدالله المهدی او را به ولیعهد خود، القائم بأمرالله هدیه داد. در زمان قائم مناصب مهمی مانند جانشینی خلیفه در غیاب او، امین اموال بیت‌المال، سفارت میان خلیفه و مردم و مانند آن را به عهده داشت. بعد از مرگ قائم در سال ۳۳۴ هجری که شورش مخلد بن کیداد به اوج خود رسیده بود، جانشین او، منصور با پنهان داشتن خبر مرگ پدرش به جنگ ابن کیداد رفت و در این زمان جوذر در قیروان به‌عنوان جانشین تام‌الإختیار خود گذاشته بود. جوذر در این مدت تمام نامه‌های ارسالی از قیروان را به نام خلیفه القائم صادر می‌کرد، به گونه‌ای که همه گمان می‌کردند وی همچنان زنده است. پس از بازگشت منصور به پایتخت و سرکوب شورش مخلد بن کیداد، وی مرگ پدرش را اعلام نمود و به جوذر لقب «مولی امیرالمؤمنین» داد و به وی دستور داد تا در نامه‌های ارسالی آن عنوان را قید کند. جوذر در دوران معز نیز به رسم سابق جایگاه خود را حفظ نمود. وی سرانجام در سفر معز به مصر، در میانه راه در جایی به نام میاسر در نزدیکی برقه از دنیا رفت (الجوذری، بی تا: ۸-۹).

امام در تفکر این نویسنده اسماعیلی دارای نقشی محوری است که مبنای روایت تاریخ است و حوادث تاریخی کتاب بر همین اساس روایت می‌شود. روش روایت حوادث مربوط به زمان اقامت نویسنده در فارس، حوادث مربوط به زمان حضور وی در دربار مستنصر فاطمی، و حوادث مربوط به زمان حضور نویسنده در ماجرای شورش بساسیری علیه خلیفه عباسی در بغداد همگی حاکی از این نوع دیدگاه است. نویسنده در کتاب خود علی‌رغم روایت تاریخ معاصر و رودرویی با بازیگران اصلی و حاضر در صحنه حوادث، آگاهانه و بدون هیچ واژه‌ای دست به نقادی می‌زند. وسعت دایره این دیدگاه انتقادی هر آنچه و هر آن کس که سوی امام - خلیفه فاطمی است را دربر می‌گیرد و تنها اوست که در مرتبه‌ای فراتر از تیررس این نقادی‌هاست (المؤید فی الدین الشیرازی، ۱۹۴۹: ۱۴). وی در گزارش مناظرات خود در دربار ابوکالیجار، ظاهر قرآن را معجزه پیامبر اسلام (ص) و باطن آن را معجزه ائمه (ع) می‌داند (المؤید فی الدین الشیرازی، ۱۹۴۹: ۱۶ به بعد). در زمینه تراجم نیز کتاب «الإشارة الی من نال الوزارة»^۱ نوشته ابن الصریفی حائز اهمیت است که تراجم احوال وزرای دربار فاطمی از یعقوب بن کلس تا أبوشجاع الآمری را دربر دارد و مبتنی بر منابع موجود در دیوان انشاء بوده که در دسترس نویسنده قرار داشته است.

۲-۲. روش و منابع روایت تاریخی

تاریخ‌نگاری فاطمیان از نظر شیوه ارائه داده‌های تاریخی مبتنی بر روشی ترکیبی است که در آن به ارائه سلسله اسناد پرداخته نمی‌شود. یکی از دلایل اتخاذ چنین روشی در تاریخ‌نگاری فاطمیان، رویکرد کلامی آن است که نقل روایات به‌ویژه راجع به تاریخ امامان گذشته به عنوان مبانی مشروعیت امام زنده فاطمی، گزینشی است. این در حالی است که در نقل روایات معاصر و نزدیک به زمان نویسنده، اتکا نویسنده بر شاهدان عینی رویدادها از اسماعیلیه، اسناد و مشاهدات شخصی است. برشمردن این ویژگی به عنوان یکی از شاخصه‌های ثانوی در تاریخ‌نگاری فاطمیان، که متأثر از رویکرد کلامی آن است، به این دلیل است که در جریان مسلط تاریخ‌نگاری اسلامی علی‌رغم مشاهده برخی نگرش‌های کلامی در ثبت رویدادها، منبع روایات طیف وسیع‌تری از راویان و آثار و مکتوبات گذشتگان را شامل می‌شود. تاریخ اسماعیلیان به‌ویژه در دوره فاطمی یکی از مستندترین دوران در تاریخ اسلامی است، به گونه‌ای که قشقندی (م ۸۲۱ ق) زمانی که در قرن نهم هجری کتاب «صبح الاعشی فی صناعة الانشاء» خود را به‌عنوان راهنمایی برای کاتبان

۱. این کتاب با تحقیق عبدالله ملخص در سال ۱۹۲۴ میلادی در جلد ۲۵ «نشریه مؤسسه فرانسوی باستان‌شناسی شرقی قاهره» و بار دیگر به صورت مستقل در سال ۱۹۶۴ میلادی در بغداد تجدید چاپ شده است.

نوشت - که در آن اطلاعات سودمندی را برای یک منشی براساس اسناد و مدارک قدیم و جدید ارائه می‌دهد - در بخش‌هایی از کتاب خود، سلسله اسناد حکومت‌های مصری را در دوران اسلامی جمع‌آوری نموده است که تعدادی از این اسناد و وثائق مربوط به دوره فاطمیان در مصر است که در منابع دیگر مفقود بوده و حاوی عناصر تاریخ‌نگارانه است. بر همین اساس، مراجعه به اسناد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع نقل تاریخی در میان فاطمیان حائز اهمیت است. این بدان دلیل است که بیشتر مورخان اسماعیلی مانند قاضی نعمان و ابوعلی جوذری از داعیان عالی‌رتبه یا متولیان دیوان انشاء و کاتب دربار فاطمیان بوده و عملاً به حجم وسیعی از اسناد و نامه‌های حکومتی دسترسی داشتند. در دور پایانی خلافت فاطمی، از زمان المستنصر بالله به بعد نیز تاریخ‌نگاری فاطمیان عملاً در اسناد صادره از دربار خلافت انعکاس می‌یابد که با مطالعه این اسناد، رویکرد کلامی در تاریخ‌نگاری فاطمیان بیش از پیش روشن می‌شود. پائولا ساندرز و جمال‌الدین الشیال در آثار خود به این موضوع پرداخته‌اند (الشیال، ۱۴۲۲: ۵۶ به بعد؛ Sanders, 1992: 82-104).

ابوعلی منصور العزیزی الجوذری نویسنده «سیره الأستاذ جوذر» به دلیل کار در دیوان انشاء فاطمیان به عنوان کاتب مخصوص استاذ جوذر، از بسیاری اسرار میان جوذر و امام - خلیفه فاطمی آگاهی داشت و هیچ توقیع یا نامه‌ای نبود که از آن آگاه نباشد (الجوذری، بی تا: ۳۲). منصب کتابت که وی بدان گماشته شد از مهم‌ترین مناصب کلیدی در نظام اداری مسلمانان بود که باعث می‌شد صاحب آن امکان رسیدن به بالاترین مقامات از جمله وزارت را پیدا کند. به دلیل اشتغال بدین منصب مهم بود که وی به بسیاری از اسناد مبادله شده میان جوذر و امامان فاطمی که حاوی اطلاعات بسیار مهمی بود، دسترسی داشت. این اسناد نقش مهمی در نگارش کتاب وی ایفا نمود. کتاب وی مجموعه‌ای از اسناد رسمی به همراه توضیح مختصری از نویسنده است که به‌خاطر نشان‌دادن ارتباط سند با زمینه است (الجوذری، بی تا: ۱۱). وی اسنادی ارائه می‌دهد که بیان‌کننده حقایق بسیاری از حیات سیاسی - اجتماعی دور اول خلافت فاطمی در افریقه است. به همین دلیل، سیره استاد جوذر نسبت به آثار مشابه در تاریخ‌نگاری اسلامی از ارزش بالایی برخوردار است (الجوذری، بی تا: ۵).

قاضی نعمان نیز مانند ابو منصور جوذری از نزدیکان امامان فاطمی (مهدی، قائم، منصور و معز) بود و به‌واسطه همین نزدیکی به بسیاری از اسناد و توقیعات دسترسی داشت که از آنها در نگارش کتاب «المجالس و المسایرات» بهره گرفت و خود نیز بدان تصریح می‌کند (الجوذری، بی تا: ۶ مقدمه محقق، به نقل از المجالس و المسایرات). با وجود این مشابهت‌ها، تفاوت اساسی میان «سیره

الأستاذ جودر» و «المجالس و المسایرات» در این است که ابوعلی منصور عین اسناد را بدون حاشیه و شرح و تفصیل در کتاب خود می‌آورد، اما قاضی نعمان در بسیاری جاها تنها به ذکر معنای اسناد اکتفا نموده و به شرح و تفصیل آن می‌پردازد (الجودری، بی‌تا: ۶). بخش سوم «سیره المؤید فی الدین» نیز شامل دورانی است که نویسنده با بساسیری تعامل داشته و با او در شورش علیه عباسیان شرکت دارد (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۳). از قسمت‌های مهم این بخش می‌توان به متن نامه‌هایی اشاره کرد که نویسنده به امیران عراق، شام و وزیر مصر نوشته و برخی از جواب‌های آنها را نیز آورده است (المؤید فی الدین الشیرازی، ۱۹۴۹: ۷۷). این نامه‌ها، اسناد تاریخی مهمی درباره شورش بساسیری به حساب می‌آیند. دلیل اهمیت سیره المؤید به عنوان یک منبع مهم در تاریخ-نگاری فاطمیان، شرح حوادث یک برهه‌ی حساس تاریخی است که حوادث را از منظر شاهد عینی و دخیل در رخدادها گزارش می‌کند. قسمت پایانی کتاب شامل دورانی است که وی با بساسیری در تعامل بوده و با او در شورش علیه عباسیان شرکت دارد.

علاوه بر اسناد، دیگر منبع مهم در تاریخ‌نگاری اسماعیلیان، مشاهدات عینی مورخ یا روایات شاهدان عینی در نقل تاریخی است. این دقت در گزینش منابع خبری سبب شده است که مورخ فاطمی حتی زمانی که ناگزیر از مراجعه به منابعی است که از نظر آنان محل وثوق نیست، اشاره‌ای به آنها نکرده و در اخذ روایات به شدت گزینشی عمل می‌کند. به‌ویژه در پرداختن به تاریخ امامان نخست شیعه و تاریخ ناطقان، معیار صحت یا سقم احادیث، نظر امام اسماعیلی است نه اعتبار سلسله روایات. نمونه این روایات در کتاب شرح الاخبار قاضی نعمان دیده می‌شود که در پرداختن به حوادث تاریخی مربوط به نخستین امامان شیعه، به دلیل کمبود منابع، ناچار به استفاده از برخی منابع غیر اسماعیلی است که در این زمینه نیز نزدیک‌ترین منابع شیعی سازگار به تفکر اسماعیلی را با رویکردی گزینشی مورد توجه قرار می‌دهد، از آن جمله است: کتاب «الغدیر» طبری، مغازی ابن اسحاق، مغازی واقدی، آثار علی بن هاشم القمّی (قرن ۲ق) از مشایخ کلینی که اشاره‌ای به نام اثر نمی‌کند، و احتمالاً کتابی از احمد بن شعیب بن علی بن بحر النسائی (م ۳۰۲ق) تحت عنوان «مناقب» (قاضی نعمان، ۱۴۱۴: ۷۲/۱). در سایر منابع اسماعیلی که عمدتاً ناظر به زمان معاصر نویسنده است، تکیه بر اسناد و شاهدان یا مشاهدات عینی منبع اصلی نقل تاریخی است.

گزارش جعفر الحاجب که توسط محمد بن محمد الیمانی در «سیره الحاجب» گردآوری شد، جزئیات ارزشمندی را از تلاش ابو عبدالله برای یافتن و رها کردن امام و تمام گروه همراه وی در سجلماسه ارائه می‌کند؛ اما چون خود وی در این زمان در زندان به سر می‌برد و شاهد آزادی امام نبود، در شرح ماجرا به پسر ابوالحسن احمد مطّلبی که شاهد عینی آزادسازی امام بود، استناد کرده

است (الیمانی، ۱۹۳۹: ۱۲۳-۱۲۴). در همین کتاب به نامه‌های امام فاطمی خطاب به ابوالحسن احمد مطلبی^۱ اشاره شده که در زمان ترک سجلماسه توسط مُطَّلِبی و حرکت به سمت قیروان به او نوشته شده و در آن‌ها به احتمال پیروزی نهایی اشاره کرده است (الیمانی، ۱۹۳۹: ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۱). همچنین است در مورد کتاب المناظرات ابن هشتم. وی که دو روز پس از به قدرت رسیدن ابوعبدالله و برادرش ابوالعباس در سوم رجب سال ۲۹۶ هجری، برای گفتن تبریک با آنها ملاقات کرد و به آیین اسماعیلی درآمد، سال‌ها بعد تمام جزئیات آن دیدار را یادداشت کرد و در کتاب المناظرات خود به نگارش درآورد. وی در این کتاب، بخش زیادی از زندگی برادران و کارگزاران آنان در حکومت فاطمی را آشکار می‌سازد (ابن هشتم، ۱۳۸۸: ۲۵). رساله «استتار الامام» نیز علی‌رغم عدم ذکر منابع، به اذعان خود نویسنده براساس منابع مدون اسماعیلی و معاصر نویسنده و روایت شاهدان عینی نگارش یافته است (زکار، ۲۰۰۷: ۲۸۴ متن استتار الامام).

نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری فاطمیان دارای ارتباطی دوسویه با قدرت سیاسی و مذهبی حاکم بوده که مشروعیت بخشی به امام - خلیفه اسماعیلی از اساسی‌ترین اهداف آن است. به همین دلیل، سیر تکاملی سنت تاریخ‌نگاری اسلامی از حدیث‌نگاری قرن اول هجری تا خلق آثار جامع و تواریخ جهانی در قرون بعدی را نمی‌توان در تاریخ‌نگاری فاطمیان مشاهده نمود. این تاریخ‌نگاری دارای برخی شاخصه‌های موضوعی و روشی است که آن را از سنت تاریخ‌نگاری اسلامی متمایز می‌سازد. تاریخ‌نگاری فاطمیان از نظر موضوع درصدد ارائه نوعی تاریخ مقدس است که امام - خلیفه فاطمی و سازمان دعوت پیرامون وی در مرکز آن قرار دارد. هدف اصلی مورخ فاطمی از این تاریخ‌نگاری، مشروعیت بخشی است؛ لذا درهم تنیدگی کلام با تاریخ به‌عنوان دومین شاخصه مهم آن حائز اهمیت است.

این دو شاخصه سبب شده است که در تاریخ‌نگاری فاطمیان برخلاف سنت تاریخ‌نگاری اسلامی، تنوع چندانی در اشکال و شیوه ارائه مطالب تاریخی وجود نداشته و در برخی اشکال زمان‌نگارانه مانند تواریخ دودمانی، زندگی‌نامه‌ها (سیره، تراجم) و خودزندگی‌نامه‌ها خلاصه شود که تأکید اصلی همه آنها بر تاریخ معاصر است. در این میان، اشاراتی که به تاریخ امامان پیشین و پیامبران گذشته صورت می‌گیرد نه به معنای اهمیت وقایع مربوط به آن دوران از دید مورخ

۱. مطلبی تاجری اشراف‌زاده از نسل مطلب و خویشاوند نزدیک خاندان هاشمی بود که برای اولین بار به همراه پسرش ابوالقاسم در مسیر سجلماسه با امام فاطمی روبه‌رو شد و وارد دعوت گردید (الیمانی، ۱۹۳۹: ۱۱۹).

فاطمی، بلکه با هدف اثبات مشروعیت امام حنی فاطمی است. این تأکید بر تاریخ معاصر سبب شده است که مشاهدات شخصی، روایات شاهدان عینی و اسناد به‌عنوان مهم‌ترین منابع این تاریخ‌نگاری در درجه‌ی اول اهمیت باشند. این در حالی است که در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی، تاریخ روایتگر حوادث مرتبط با نخبگان دینی و سیاسی (پیامبران و پادشاهان) از گذشته تا زمان مورخ است و به همین دلیل طیف وسیعی از آثار تاریخ‌نگارانه را شامل می‌شود که مبتنی بر منابع وسیعی از آثار پیشینیان است.

منابع و مآخذ

ابن هیثم (۱۳۸۸ ش). **پیدایی فاطمیان و گفتگوهای درونی شیعیان در المناظرات**. تصحیح و ترجمه انگلیسی ویلفرد مادلونگ و پل ارنست واکر. ترجمه فارسی محمد جاودان و امیر جوان آراسته. قم - تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب.

ایمن فؤاد سید (۲۰۰۷ م). **الدوله الفاطمیه فی المصر**. القاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب. البغدادی، اسماعیل (۱۴۱۳ ق). **هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین من کشف الظنون**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

جعفر بن منصور الیمن (۱۴۰۴ ق الف). **الکشف**. بیروت: چاپ مصطفی غالب. _____ (۱۴۰۴ ق ب). **سرائر و اسرار النطقاء**. بیروت: چاپ مصطفی غالب. الجوزری، ابوعلی منصور العزیزی (بی تا). **سیره الأستاذ جوذری و به توقیعات الأئمه الفاطمیین**. تقدیم و تحقیق محمد کامل حسین و محمد عبدالهادی شعیره، مصر: دارالفکر العربی. رابینسون، جیس. اف (۱۳۸۹ ش). **تاریخ‌نگاری اسلامی**. ترجمه مصطفی سبحانی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

زکار، سهیل (۲۰۰۷ م). **الجامع فی أخبار القرامطه فی الأحساء - الشام - العراق - الیمن**. دمشق: التکوین.

الشیال، جمال‌الدین (۱۴۲۲ ق). **مجموعه الوثائق الفاطمیه**. القاهره: المکتبه الثقافه الدینیة. صالحیه، محمد عیسی (۱۹۹۵ م). **المعجم الشامل للتراث العربی المطبوع**. قاهره: المنظمه العربیه للتریبه و الثقافه و العلوم - معهد المخطوطات العربیه.

صفدی، خلیل بن ابیک (۱۹۷۴ م). **الوافی بالوفیات**. بیروت: دارالنشر فرانز شتاینر. قاضی نعمان (۱۴۱۴ ق). **شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار علیهم السلام**. قم: جامعه مدرسین. _____ (۱۹۷۰ م). **افتتاح الدعوه**. تحقیق و داد القاضی. بیروت: دارالثقافه.

_____ (۱۹۸۶ م). **افتتاح الدعوه**. تحقیق فرحات الدشراوی. تونس: الشركه التونسیه للتوزیع.

_____ (۱۹۹۶ م). *المجالس و المسایرات*. تحقیق ابراهیم شوح - حبیب فقی و محمد یعلای. بیروت: دارالمنتظر.

کحاله، عمر رضا (۱۴۱۴ق). *معجم المؤلفین: تراجم مصنفی الكتب العربیه*. چاپ اول. بیروت: مؤسسه الرساله.

مجدوع، اسماعیل بن عبدالرسول (۱۳۴۴ ش). *فهرست الكتب و الرسائل*. تهران: چاپ علینقی منزوی.
مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی (۱۹۶۷-۱۹۷۳ م). *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء*. به کوشش جمال‌الدین شیال و محمد حلمی. قاهره: دارالفکر العربی.

المؤید فی‌الدین الشیرازی (۱۹۴۹ م). *سیره المؤید فی‌الدین داعی‌الدعاه*. تحقیق محمد کامل حسین بکلیه الآداب بجامعة فؤاد الأول. قاهره: دارالکتاب المصری.

الیمانی، محمد بن محمد (۱۹۳۹ م). *مذاکرات فی‌حرکه المهدی‌الفاطمی (استتار الامام و سیره الحاجب)*. القاهره: مطبعه المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه.

Daftari, Farhad, (2004), *Ismaili literature: A bibliography of sources and studies*, The Institute of Ismaili Studies, London.

Halm, Heinz, (1997), *the Fatimids and their traditions of learning*, I.B. Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, London.

Ibn al-Haytham, (2001), *Kitab al-munazarat (The advent of the Fatimids: A contemporary Shi'i Witness)*, An edition and english translation by Wilferd Madelung and Paul E. Walker, I.B. Tauris in association with The Institute of Ismaili studies, London- New York.

Ivanov, Vladimir Alekseevich, (1963), *Ismaili literature: A bibliographical survey*, Ismaili society, Tehran.

Lalani. Arzina R, (1978), *Degrees of Excellence: A Fatimid treatise on leadership in Islam (Ismaili texts and translations)*, I.B. Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, London- New York.

Sanders. p, (1992), "claiming the past: Ghadir Khum and the rise of hafizi Historiography in the late Fatimid Egypt", *Studia Islamica*, No. 75, pp. 81-104.

References in English

Al-Baghdādī, I. 1993. Hidīyat al-‘Ārifīn Asmā’ al-Mūalifīn wa Āthār al-Muṣanifīn min Kashf al-Zunūn. Dār al-Kutub al-‘Ilmiyah, Beirut. (In Arabic) (Book)

Al-Djūdharī, A.‘A.M.‘A. (n.d). Sīrat al-Ustādh Djūdhar wa bi Tūkī‘āt Ala‘imih al-Fāṭimīn. M.K. Ḥussiyin. & M.‘A. Sha‘īrih. (Editors). Dār al-Fikr al-‘Arabī, Egypt. (In Arabic) (Book)

Al-Mu‘ayid fi al-Dīn al-Shīrāzī. 1949. Sīrah Al-Mu‘ayid fi al-Dīn Dā‘ī al-Da‘āhu. M.K. Ḥussiyin. (Editor). Dār al-Kātib al-Miṣrī, Cairo. (In Arabic) (Book)

Al-Shayyāl, Dj.A. 2001. Maḍimū‘at al-Wiṭhāk al-Fāṭimiyāh. Al-Maktabat al-Thikāfat al-Dīniyah, Cairo. (In Arabic) (Book)

Al-Yamānī, M.M. 1939. Mudhākīrāt fi Ḥarika al-Mahdī al-Fāṭimī. The French Institute of Oriental Antiquities, Cairo. (In Arabic) (Book)

Dja‘far, M.A. 1984. Al-Kashf. Muṣṭafā Ghālib, Beirut. (In Arabic) (Book)

- _____. 1984. Sarā'ir wa Asrār al-Nuṭaqā'. Ghālib, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Daftari, F. 2004. Ismaili literature: A Bibliography of Sources and Studies. The Institute of Ismaili Studies, London. (In English) (**Book**)
- Halm, H. 1997. The Fatimids and Their Traditions of Learning, I.B. Tauris in Association with The Institute of Ismaili Studies, London. (In English) (**Book**)
- Ibn al-Haytham. 2001. Kitab al-Munazarat (The advent of the Fatimids: A Contemporary Shi'i Witness). W. Madelung. & Paul E. Walker. (Editors and Translators). I.B. Tauris in association with The Institute of Ismaili studies, London- New York. (In English) (**Book**)
- Ibn Hiytham. 2009. Piydāryi Fāṭimīyān wa Guftigūhāyi Darūniyi Shī'ayān dar al-Munāzirāt. W. Madelung & P.E. Walker. (Editors). M. Djāwidān. & A. Djāwān. Arāstih. (Translators). University of Religion and Denominations, Qum-Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Īmin, F.S. 2007. Al-Dūlat al- Fāṭimīyāh fī al-Miṣr. al-Hiy'at al-Miṣrīyat al-Āmat Lilkitāb, Cairo. (In Arabic) (**Book**)
- _____. 1996. Al-Maḍjālis wa al-Masāyirāt. I. Shabūh. & H. Fikhī. & M. Ya'lāwī. (Editors). Dār al-Muntazar, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Ivanov, V. A. 1963. Ismaili literature: A Bibliographical Survey. Ismaili society, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ḳāḍī Nu'mān. 1970. Ifitāh al-Da'wah. Dār al-Thikāfat, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- _____. 1986. Ifitāh al-Da'wah. D. Al-Daṣhrāwī. (Editor). Al-Shirkat al-Tūnisīyah Liltūzī', Tunisia. (In Arabic) (**Book**)
- _____. 1993. Sharḥ al-Aḵhbār fī Faḍā'il al-A'imih al-Aṭhār. Djāmi'iyih Mudarisīn, Qum. (In Arabic) (**Book**)
- Kaḥālih, 'U.R. 1993. Mu'djam al-Mu'alifin; Tarāḍjim Muṣnafī al-Kutub al-'Arabīyah. 1st Ed. Muasisah al-Risālah, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Lalani. Arzina R. 1978. Degrees of Excellence: A Fatimid treatise on leadership in Islam (Ismaili texts and translations), I.B. Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, London- New York. (In English) (**Book**)
- Maḍjūdū', I.'A. 1965. Fihrist al-Kutub wa al-Rasā'il. 'Alī Naḳī Wazīrī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Miḳrīzī, T.A.A.'A. 1967-1973. At'āz al-Ḥunafā' bi Akhbār al-A'imih al- Fāṭimīn al-Khulafā'. Dj. Shayāl. & M. Ḥalmī. (Editors). Dār al-fikr al-'Arabīyah, Cairo. Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Robinson, Ch.F. 2010. Tārīkh Nigāriyi Islāmī. M. Subḥānī. (Translator). Research Center for Islamic History, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Ṣafḍī, Ḳh.Ī. 1974. Al-Wāfī Bilwafiyāt. Franz Steiner, Beirut. (In Arabic) (**Book**)
- Sālihiyah, M.'Ī. 1995. Al-Mu'djam al-Shāmil lilturāth al-'Arabī al-Maṭbū'. Al-Munzamamah al-'Arabīah Liltarbīyah wa al-Thikāfat wa al-'Ulūmi Ma'had al-Maḳhtūtāt al-'Arabīah, Cairo. (In Arabic) (**Book**)
- Sanders. P. 1992. Claiming the Past: Ghadir Khum and the rise of hafizi Historiography in the late Fatimid Egypt. Studia Islamica, No (75):81-104. (In English) (**Journal**)
- Zikār, S. 2007. Al-Djāmi' fī Akhbār al-Ḳarāmaṭih fī al-'Aḥsā', al-Shām, al-'Irāk, al-Yaman. Al-Takwīn, Damascus. (In Arabic) (**Book**)

The Features of Fatimid's historiography in Islamic Historiography Discourse¹

Ali Babaei Siab²

Fatemeh Janahmadi³

Sayyed Hashem Aghajari⁴

Received: 06/04/2018

Accepted: 23/07/2018

Abstract

Researchs on the historiography of the Ismâîlis has been less successful among scholars in this field due to the loss of a significant amount of their works. By examining the few remaining works of Ismaili historians and recreating a general image of their lost works based on other sources, research into the historiography of this cult is to some extent possible. The importance of this research is due to the fact that the historiography of the Ismailis has been investigated from the perspective of the followers of this sect in a historical record largely ignored by researchers from this field. In this research, it will be shown what features of the Fatimid historiography in the dominant discourse of Islamic historiography. It seems that the Fatimid historiography, in

¹. DOI: 10.22051/hph.2018.16984.1163

². Ph.D. student of Islamic history of Tarbiat Modares University.
Ali.Babaei@modares.ac.ir

³. Associate professor and faculty member of Tarbiat Modares University
(responsible author) F.Janahmadi@modares.ac.ir

⁴. Advisor Professor, Assistant Professor and Faculty Member of Tarbiat Modares
University aghajari@modares.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507

Biannual Journal of Historical Perspective & Historiography Alzahra
University
Vol.28, No.21, 2018
<http://hph.alzahra.ac.ir/>

spite of the advent in the dominant discourse of Islamic historiography and being effected by it, seems to be partly due to features such as the apparent intersection of the theology with the history and the placement of the Ismaili Imam in the center of events, which suggests an attempt for a kind of sacred historiography. It distinguishes itself from the tradition of Islamic historiography and separates it from it. This research has been accomplished through qualitative content analysis and based on library and digital resources.

Keywords: Fatimid's Historiography, theology, Imamate, holy historiogr

Archive of SID